

به مناسبت چهارمین سالگشت انقلاب اکتبر

چهارمین سالگشت ۲۵ اکتبر (۷ نوامبر) فرا می رسد .

هر قدر این روز بزرگ از ما دورتر می شود، اهمیت انقلاب پرولتری روسیه روشن تر می گردد و ما درباره ی تجربه ی عملی مجموع کار خود نیز عمیق تر می اندیشیم .

این اهمیت و این تجربه را می توان با اختصار زیاد و البته بسی غیرکامل و غیردقیق- به نحو زیرین بیان داشت.

وظیفه ی مستقیم و نزدیک انقلاب روسیه وظیفه بورژوا-دمکراتیک بود، یعنی: برانداختن بقایای نظامات قرون وسطانی و زدودن این بقایا تا آخر و تصفیه ی روسیه از وجود این بربریت، از این ننگ و از این بزرگ ترین ترمز هرگونه فرهنگ و هرگونه پیشرفتی در کشور ما.

و ما به حق می بالیم که این تصفیه را بسی با عزم تر و سریع تر و جسورانه تر و کامیابانه تر و پردامنه تر و از نقطه ی نظر نفوذ در توده های خلق در قشرهای ضخیم آن عمیق تر از انقلاب کبیر فرانسه، که متجاوز از ۱۲۵ سال پیش واقع شد، انجام داده ایم .

هم آنارشیست ها و هم دمکرات های خرده بورژوا (یعنی منشیویک ها و اس آرها، که نمایندگان روسی این تیپ اجتماعی بین المللی هستند) به میزان فوق العاده زیادی

مطالب در هم بر هم در باره ی رابطه ی بین انقلاب بورژوا-دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی (یعنی پرولتاری) می گفتند و می گویند. طی این چهار سال صحت استنباط ما از مارکسیسم در این باره و صحت حساب ما در مورد تجربه ی انقلاب های گذشته کاملاً تأیید گردید. ما انقلاب بورژوا-دمکراتیک را بهتر از هر کس دیگر به فرجام خود رساندیم. ما با آگاهی کامل، استوار و بلاانحراف به سوی انقلاب سوسیالیستی پیش می رویم و می دانیم که این انقلاب را دیوار چین از انقلاب بورژوا-دمکراتیک جدا نمی کند، می دانیم که فقط مبارزه معین خواهد کرد که تا چه حد موفق خواهیم شد (آخر الامر) به پیش برویم و کدام بخش این وظیفه ی فوق العاده عالی را اجرا خواهیم کرد و کدام بخش از پیروزی هایمان را برای خود تحکیم خواهیم نمود. آینده این موضوع را نشان خواهد داد. ولی همین حالا می بینیم که در امر اصلاحات سوسیالیستی جامعه -برای کشوری ویران، رنج دیده و عقب مانده- به میزان عظیمی کار انجام گرفته است .

ولی اول موضوع مضمون بورژوا-دمکراتیک انقلاب خودمان را به پایان رسانیم. معنای این کلام باید برای مارکسیست ها روشن باشد. جهت توضیح مطلب، امثله ی روشنی بیاوریم .

مضمون بورژوا-دمکراتیک انقلاب، یعنی تصفیه ی مناسبات اجتماعی (نظامات و مؤسسات) کشور از آثار قرون وسطانی، از سرواژ و فنودالیسم .

آیا مقارن سال ۱۹۱۷ عمده ترین مظاهر و بقایا و بازمانده های سرواژ در روسیه چه بود؟ سلطنت، نظام زمره ای، ملک داری و شیوه ی استفاده از زمین. وضع زنان، مذهب و ستمگری نسبت به ملیت ها. هر یک از این "اصطبل های اوژیاس" را که بگیرید می بینید که ما کاملاً آن را نظیف کرده ایم. در صورتی که به جا است گفته شود که همه ی کشورهای راقیه هنگامی که خودشان انقلاب بورژوا-دمکراتیک را در ۱۲۵ و ۲۵۰ سال پیش و از آن هم جلو تر (انگستان در ۱۶۴۹) انجام می دادند تنظیف این اصطبل ها را ناتمام باقی گذاردند. کاری که ما طی تقریباً ده هفته بین ۲۵

اکتبر (۷ نوامبر) ۱۹۱۷ و انحلال مجلس مؤسسان (۵ ژانویه ۱۹۱۸) در این رشته انجام دادیم هزار بار بیشتر از آن چیزی بود که دمکرات ها و لیبرال های بورژوا (کادت ها) و دمکرات های خرده بورژوا (منشویک ها و اس ارها) در عرض هشت ماه حکومت خود انجام دادند .

این ترسوها، پرگوها، نرسیس های خودپسند و هاملت ها، شمشیر چوبی خود را حرکت می دادند و حال آن که حتی سلطنت را هم نابود نساختند! ما زباله ی سلطنت را چنان به دور ریختیم که کسی هرگز چنان نکرد. ما سنگی بر سنگ و خشتی بر خشت کاخ دیرین سال نظام زمره ای باقی نگذاشتیم (راقی ترین کشورها از قبیل انگستان و فرانسه و آلمان هنوز از بقایای نظام زمره ای خلاص نشده اند!). ما عمیق ترین ریشه های نظام زمره ای یعنی بقایای فنودالیسم و سرواژ را در زراعت به کلی برانداختیم. «می توان مباحثه کرد» (در خارجه عده ای کافی از ادبا و کادت ها و منشویک ها و اس ارها هستند که به این مباحثات مشغول باشند) که «سرانجام» از اصلاحات ارضی انقلاب کبیر اکتبر چه چیزی حاصل می شود. ما طالب آن نیستیم که اکنون وقت را بر سر این مباحثات تلف کنیم زیرا ما این مباحثه و تمامی مباحثات مربوطه ی بدان را به وسیله ی مبارزه حل می کنیم. ولی نمی توان منکر این واقعیت شد که دمکرات های خرده بورژوا هشت ماه با ملاکین، که سنن سرواژ را حفظ می نمودند، «سازش کردند» ولی ما در عرض چند هفته، هم این ملاکین و هم تمام سنن آن ها را از روی سرزمین روس به کلی برانداختیم .

مذهب یا بی حقوقی زنان یا ستمگری نسبت به ملیت های غیرروس و نابرابری حقوقی آن ها را بگیرید. همه ی این ها مسائل مربوط به انقلاب بورژوا-دمکراتیک است. فرومایگان دمکراسی خرده بورژوا هشت ماه در باره ی این مطالب پُرگویی می کردند؛ حتی یک کشور راقی جهان نیست که این مسائل در آن در جهت بورژوا-دمکراتیک تا آخر حل شده باشد. در کشور ما این مسائل به وسیله قانون گذاری انقلاب اکتبر تا آخر حل شده است. ما با مذهب چنان که باید شاید

مبارزه کرده‌ایم و می‌کنیم. ما به همه ی ملیت‌های غیرروس جمهوری خاص خودشان یا مناطق خودمختار خاص خودشان را داده‌ایم. در کشور ما یک چنین دنانت و پلیدی و رذالتی نظیر بی حقوقی و یا ناقص الحقوقی زنان، این بازمانده ی نفرت انگیز سرواژ و قرون وسطی، که بورژوازی مغرض و خرده بورژوازی کُند ذهن و مرعوب در همه ی کشورهای جهان بدون کوچک ترین استثناء بدان رنگ نو می‌زند، وجود ندارد .

همه این‌ها - مضمون انقلاب بورژوا-دمکراتیک است. صد و پنجاه تا دویست و پنجاه سال پیش از این پیشوایان پیشگام این انقلاب (اگر بخواهیم از یک یک صور ملی این طراز کلی سخن گوئیم باید بگوئیم این انقلاب‌ها) به مردم وعده دادند بشریت را از قید امتیازات قرون وسطائی، نابرابری زنان، امتیازات دولتی فلان یا بهمان دین (یا «اندیشه دینی» و «دینداری» بطور اعم) و از قید نابرابری ملیت‌ها برهانند. وعده دادند و اجرا نکردند. نمی‌توانستند اجراء کنند زیرا «احترام» به «مالکیت خصوصی مقدس» مانع بود. در انقلاب پرولتری ما این «احترام» ملعون به این آثار سه بار ملعون قرون وسطائی و به این «مالکیت خصوصی مقدس» وجود نداشت .

ولی برای آن که فتوحات انقلاب بورژوا-دمکراتیک را برای خلق‌های روسیه تحکیم کنیم، می‌بایست جلوتر برویم و جلوتر رفتیم. ما مسائل مربوط به انقلاب بورژوا-دمکراتیک را در اثنای راه، در جریان عمل و به مثابه ی «محصول فرعی» کار سوسیالیستی عمده و واقعی و انقلابی-پرولتاری خودمان حل می‌کردیم. ما همیشه می‌گفتیم رفرم، محصول فرعی مبارزه انقلابی طبقاتی است. ما می‌گفتیم و در عمل ثابت کردیم که اصلاحات بورژوا-دمکراتیک محصول فرعی انقلاب پرولتری یعنی سوسیالیستی است. بجاست گفته شود که همه ی کائوتسکی‌ها، هیلفردینگ‌ها، مارتف‌ها، چرنف‌ها، هیلک‌ویت‌ها، لونکه‌ها، ماکدونالدها، توراتی‌ها و دیگر قهرمانان مارکسیسم «دو و نیم» نتوانستند این رابطه ی بین انقلاب

بورژوا-دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی پرولتری را درک کنند. نخستین انقلاب ضمن رشد خود به انقلاب دوم تحول می یابد. انقلاب دوم مسائل انقلاب اول را در جریان عمل حل می کند. انقلاب دوم کار انقلاب اول را تحکیم می نماید. مبارزه و تنها مبارزه است که معین می کند تا چه حدودی انقلاب اول موفق خواهد شد به انقلاب دوم تحول یابد .

نظام شوروی همانا یکی از تأییدات یا مظاهر آشکار این تحول یک انقلاب به دیگری است. نظام شوروی حد اکثر دموکراتیسم برای کارگران و دهقانان است و در عین حال دال بر گسست با دموکراتیسم بورژوائی و پیدایش طراز نوین جهانی-تاریخی دموکراسی یعنی دموکراسی پرولتری یا دیکتاتوری پرولتاریا است .

بگذار سگان و خوکان بورژوازی محتضر و دموکراسی خرده بورژوائی که از دنبال این بورژوازی می رود به خاطر ناکامی ها و اشتباهات مرتکبه در امر ساختمان نظام شوروی ما بارانی از لعنت و دشنام و استهزا بر سر ما ببارند. ما دقیقه‌ای فراموش نمی کنیم که ناکامی ها و اشتباهات ما واقعاً زیاد بود و زیاد است. و اصولاً مگر می شود که در یک چنین امر تازه ای، که برای تاریخ جهان تازه است یعنی در امر ایجاد طراز تا کنون نادیده ی سازمان دولتی، بدون ناکامی و اشتباه عمل کرد! ما پیوسته در راه اصلاح ناکامی ها و اشتباهات خودمان و بهبود انطباق عملی اصول شوروی، انطباقی که بسیار و بسیار از حد کمال دور است، مبارزه خواهیم کرد. ولی ما حق داریم به خود ببالیم و می بایم که سعادت شروع ساختمان دولت شوروی و بدین وسیله شروع دوران نوین در تاریخ جهان، دوران سلطه طبقه ی نوین، که در کلیه ی کشورهای سرمایه‌داری ستمکش است و همه جا به سوی زندگی نوین، به سوی پیروزی بر بورژوازی، به سوی دیکتاتوری پرولتاریا، به سوی خلاصی انسانیت از یوغ سرمایه و جنگ های امپریالیستی گام برمی دارد، نصیب ما شده است .

مسئله جنگ های امپریالیستی و آن سیاست بین المللی سرمایه ی مالی که اکنون در همه ی جهان استیلا دارد و ناگزیر موجد جنگ های امپریالیستی جدید و تشدید بی سابقه ی ستم ملی و غارت و تاراج و اختناق خلق های ناتوان و عقب مانده و کوچک توسط مشتی از دول «راقیه» است، - این مسئله از سال ۱۹۱۴ مسأله ی اساسی سیاست کلیه کشورهای کره ی زمین شده است. این - مسأله حیات و ممت ده ها میلیون نفر است. این مسئله ایست در باره ی این که آیا در جنگ امپریالیستی بعدی، که بورژوازی در برابر انظار ما آن را تدارک می بیند و در برابر انظار ما از سرمایه داری پدید می آید، بیست میلیون نفر هلاک خواهند شد (به جای ده میلیون نفری که در جنگ سال های ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ هلاک شدند، آن هم به اضافه ی جنگ های «کوچک» مُنصَم به آن که هنوز هم خاتمه نیافته است) و آیا در این جنگ ناگزیر آینده (اگر سرمایه داری حفظ شود) شصت میلیون نفر معلول خواهند شد (به جای سی میلیون نفری که در سال های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ معلول شده اند) یا نه. انقلاب اکتبر ما در این مسأله هم دوران تاریخی- جهانی تازه ای را افتتاح کرده است. خدمه ی بورژوازی و پامبری خوان های وی یعنی اس ارها و منشویک ها و تمامی دموکراسی به اصطلاح "سوسیالیستی" خرده بورژوائی شعار "تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی" را مسخره می کردند. ولی این شعار یگانه حقیقت منحصر از کار در آمد - حقیقتی نامطلوب، خشن، بی پرده و بی امان، همه ی این ها درست- ولی حقیقتی در بین یک دنیا فریب های فوق العاده ظریف شوینستی و پاسیفیستی. بنیاد این فریب ها فرو می پاشد. صلح پرست افشاء شده است. هر روزی که می گذرد معنا و عواقب صلح و رسای را که از صلح پرست هم بدتر است، با بی رحمی بیشتری افشاء می نماید. برای میلیون ها و میلیون ها مردمی که در باره ی علل جنگ دیروز و جنگ فردا که در حال تکوین است می اندیشند، این حقیقت مهیب روز به روز روشن تر و واضح تر و مؤکدتر می شود که: از جنگ امپریالیستی و از MNP امپریالیستی که به ناگزیر موجب پیدایش آن می شود (اگر املاء قدیم

حفظ شده بود من در این جا دو کلمه ی^۱) MIP را به هر دو معنای آن می نوشتم (یعنی از این دوزخ نمی توان جز از راه مبارزه بلشویکی و انقلاب بلشویکی رهایی جست .

بگذار بورژوازی و پاسیفیست ها، ژنرال ها و خرده بورژوازی، سرمایه داران و فیلیسترها، کلیه ی مسیحیان مؤمن و همه ی شوالیه های انترناسیونال دوم و دو نیم با هاری تمام به این انقلاب دشنام بدهند. آن ها با هیچ سیلاب غیظ و بهتان و اکاذیب این واقعیت جهانی- تاریخی را نمی توانند مه آلود کنند که، پس از صدها و هزارها سال برای نخستین بار بردگان به جنگ بین برده داران با اعلام آشکار این شعار پاسخ دادند: این جنگ بین برده داران را که هدفش تقسیم غنایم است به جنگ بردگان همه ی ملل علیه برده داران همه ی ملل تبدیل کنیم .

پس از صدها و هزاران سال برای نخستین بار این شعار از یک انتظار مبهم و زبون به یک برنامه ی سیاسی روشن و دقیق، به مبارزه ی مؤثر میلیون ها ستمکش تحت رهبری پرولتاریا، به نخستین پیروزی پرولتاریا، به نخستین پیروزی در امر محو جنگ ها، در امر اتحاد کارگران کلیه ی کشورها علیه اتحاد بورژوازی کشورهای مختلف، آن بورژوازی که هم صلح و هم جنگش به حساب بردگان سرمایه، به حساب مزدوران، به حساب دهقانان، به حساب زحمتکشانش است، مبدل گردید.

این نخستین پیروزی هنوز پیروزی نهایی نیست و این پیروزی را انقلاب اکتبر ما با سختی ها و دشواری های نادیده و رنج های ناشنیده و یک سلسله ناکامی ها و اشتباهات عظیمی که ما مرتکب شده ایم، به دست آورده است و اصولاً مگر می شد که یک خلق عقب مانده بتواند بدون ناکامی و بدون اشتباه بر جنگ های امپریالیستی مقتدر ترین و رافی ترین کشورهای کره ی زمین غلبه کند! ما از اقرار به اشتباهات خود پروا نداریم و هشیارانه به آن ها خواهیم نگریست تا شیوه ی رفع این اشتباهات

^۱ - MIP به زبان روسی هم به معنای «جهان» است و هم به معنای «صلح» ولی در سابق املاء آن ها یکی نبود. «ه. ت.»

را بیاموزیم. ولی واقعیت به جای خود باقی است: پس از صدها و هزارها سال برای نخستین بار وعده ی «پاسخ دادن» به جنگ بین برده داران به وسیله انقلاب بردگان علیه همه و هرگونه برده داران تا آخر ایفا شده - و علی رغم همه ی مشکلات ایفا می گردد .

ما این کار را شروع کرده ایم. و اما این که آیا چه موقع و طی چه مدتی و پرولتراها کدام ملت این امر را به سرانجام خواهند رساند مسأله ی اساسی نیست. مسأله اساسی آنست که یخ از جا کنده شده و به حرکت درآمده است، جاده باز شده، راه نشان داده شده است .

آقایان سرمایه داران همه ی کشورها، که «میهن» ژاپنی را در برابر «میهن» آمریکایی و «میهن» آمریکایی را در برابر «میهن» ژاپنی و «میهن» فرانسوی را در برابر «میهن» انگلیسی و غیره «دفاع می کنید»، به سالوسی خود ادامه دهید! آقایان شوالیه‌های انترناسیونال دو و دو و نیم و همه ی خرده بورژواها و فلیسترهای پاسیفیست سراسر جهان، با نگرش «بیانیه‌های بال» جدیدی (طبق نمونه ی بیانیه ی بال مورخ سال ۱۹۱۲) به «طفره رفتن» از مسأله مربوط به وسائل مبارزه علیه جنگ های امپریالیستی ادامه دهید! نخستین انقلاب بلشویکی نخستین صد میلیون مردم روی زمین را از جنگ جنگ امپریالیستی و جهان امپریالیستی به در آورد. انقلاب های بعدی تمام بشریت را از جنگ چنین جنگ و چنین جهانی به در خواهند کشید.

آخرین و مهم ترین و دشوارترین و ناتمام ترین کارهای ما ساختمان اقتصادی و پی ریزی اقتصادی برای بنای نوین سوسیالیستی به جای بنای منهدم فنودالی و نیمه منهدم سرمایه داری است. ما در این مهم ترین و دشوارترین کار خود بیش از همه ناکامی و اشتباه داشته‌ایم. و اصولاً مگر می شود چنین کاری را که در مقیاس جهانی تازگی دارد بدون ناکامی و اشتباه انجام داد! ولی ما آن را آغاز کرده‌ایم و در کار اجراء آنیم. اتفاقاً همین حالا ما به کمک «سیاست اقتصادی نوین» خودمان

یک سلسله اشتباهات خودمان را اصلاح می کنیم و فرا می گیریم که چگونه در کشور خرده دهقانی باید بدون ارتکاب این اشتباهات ساختمان سوسیالیسم را ادامه داد .

دشواری ها را حد و حصری نیست. ما به مبارزه با دشواری های بی حد و حصر خو گرفته ایم. بیهوده نیست که ما را دشمنان ما «سنگ خارا» و نمایندگان «سیاست استخوان شکن» نامیده اند. ولی ما ایضاً - و لاقلاً تا حدود معینی - هنر دیگری را که در انقلاب ضروری است آموخته ایم، که عبارتست از نرمش، امکان تغییر سریع و آنی تاکتیک خود با در نظر گرفتن شرایط تغییر یافته ابژکتیف و انتخاب راه دیگر نیل به هدف در صورتی که راه گذشته در دوران معینی از زمان خلاف مصلحت و غیرممکن از آب در آید .

ما، که امواج شور و هیجان برانگیخته بودمان و نخست شور و هیجان سیاسی و سپس شور جنگی را در خلق برانگیخته بودیم، حساب می کردیم که بر زمینه ی این شور و هیجان وظایف اقتصادی به همان درجه عظیم را (نظیر وظایف سیاسی و جنگی) مستقیماً عملی سازیم. ما حساب می کردیم و شاید هم بهتر است بگوئیم بدون آن که به اندازه کافی حساب کنیم فرض می کردیم که با اوامر مستقیم دولت پرولتری تولید دولتی و توزیع محصولات دولتی را به شیوه ی کمونیستی در یک کشور خرده دهقانی عملی سازیم. جریان زندگی اشتباه ما را نشان داد. یک سلسله مراحل انتقالی یعنی سرمایه داری دولتی و سوسیالیسم لزوم یافت تا انتقال به کمونیسم را تدارک به بینیم و آن هم با فعالیتی که سنوات مدیدی به طول می انجامد تدارک بینیم. باید به خود زحمت دهید که نه بر زمینه ی مستقیم شور و هیجان، بلکه به کمک شور و هیجانی که مولود انقلاب کبیر است، بر اساس ذی نفع و ذی علاقه کردن اشخاص و بر اساس اصل بازرگانی، نخست پل های استواری را که در کشور خرده دهقانی بین سرمایه داری دولتی و سوسیالیسم قرار می گیرد بسازید؛ در غیر این صورت به کمونیسم نزدیک نخواهید شد، در غیر این صورت ده ها و ده ها میلیون

نفر را به کمونیسم نخواهید رساند. زندگی به ما چنین حکم کرده است. سیر عینی تکامل انقلاب به ما چنین حکم کرده است.

و ما، که در عرض سه چهار سال شیوه ی چرخش های سریع را (هنگامی که چرخش سریع لازم است) اندکی آموخته ایم، حالا با پشتکار و دقت و جدیت (گر چه هنوز به اندازه کافی با پشتکار و به اندازه ی کافی دقیق و به اندازه ی کافی مجدانه نیست) به آموختن شیوه ی چرخش نوین، یعنی «سیاست اقتصادی نوین» پرداخته ایم. دولت پرولتری باید به یک «ارباب» محتاط و جدی و قابل و یک تاجر عمده فروش کار آزموده بدل شود - در غیر این صورت نمی تواند کشور خرده دهقانی را از لحاظ اقتصادی بر روی پای خود استوار کند و در شرایط کنونی و در کنار باختر سرمایه داری (که هنوز سرمایه داری است) راه دیگری برای انتقال به کمونیسم وجود ندارد. تاجر عمده فروش گویی آن چنان تیپ اقتصادی است که از کمونیسم به اندازه ی زمین تا آسمان دور است. ولی این یکی از آن تضادهایی است که ما را در زندگی جوشان از اقتصاد خرده دهقانی بیرون می آورد و از طریق سرمایه داری دولتی به سوسیالیسم می برد. ذی نفع کردن اشخاص سطح تولید را بالا می برد و برای ما هم مقدم بر هر چیز افزایش تولید به هر قیمتی شده لازم است. بازرگانی عمده فروشی، میلیون ها دهقان خرده پا را از لحاظ اقتصادی متحد می کند بدین ترتیب که آن ها را ذی نفع ساخته، به هم پیوند می دهد و به مرحله ی آتی یعنی به سوی شکل های مختلف اتحاد و پیوند در خود تولید سوق می دهد. هم اکنون ما به تجدید سازمان ضروری در سیاست اقتصادی خود دست زده ایم. ما در این زمینه موفقیت های چندی به دست آورده ایم که راست است کوچک و جزئی است ولی به هر جهت موفقیت بدون تردید است. ما اکنون در این رشته «علم» جدید کلاس تهیه را به پایان می رسانیم. اگر ما با استواری و مصرانه تعلیم بگیریم و هر گام خود را با تجربه ی عملی و ارسسی کنیم و از تغییر و تبدیل مکرر آن چه که شروع کرده ایم نترسیم و اشتباهات خود را اصلاح کنیم و با دقت در معنای آن غوررسی نمایم، در

آن صورت به کلاس بعدی ارتقاء خواهیم یافت. ما تمام «دوره ی تحصیلی» را خواهیم گذراند. گرچه اوضاع و احوال اقتصادی و سیاسی جهان این امر را بسی طولانی تر و دشوارتر از آن کرده است که مطلوب ما بود. به هر قیمتی که باشد و هر قدر هم مصائب دوران انتقال، یعنی فقر و گرسنگی و ویرانی دشوار باشد، ما روحیه ی خود را نخواهیم باخت و کار خود را به فرجام ظفر نمونش خواهیم رساند .

ن. نین

۱۴ اکتبر سال ۱۹۲۱

روزنامه ی "پراودا"، شماره ی ۲۳۴، مورخ ۱۸ اکتبر سال ۱۹۲۱

منبع: منتخب آثار تک جلدی نین، صفحه ۸۲۲

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N 3XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۵